

Research Article

Explanation of the reasons for the reputation of the narrative of Hafs Asim

farzaneh alizadeh^{1*}, Zahra Imani Khoshkho², Sayyid Fatimah Hosseini Mir Safi³

Abstract

Differences in Quran recitation and the role of Quran recitation in understanding the book have certainly influenced the Quranic sciences to the modern age despite historical controversies. Yet, there is no consensus over the reasons for prioritizing one recitation over the others. Drawing on library studies and adopting a historical approach, the present study aimed to shed some light on the issue that ambiguity in some historical reports arises from particular Quran recitations in the Islamic world, the widespread use of Aasem's recitation method according to Hafs, adopted as the formal recitation method in the Ottoman Empire, and the publication of the Holy Quran based on Aasem's recitation method. Therefore, other recitation methods should be taken into account to avoid an unfair exaggerated account of the above recitation method.

Keywords: Difference in Quran recitation, Quran verses, Narration, history, Ottoman Empire

1*. PhD student of Islamic Azad University, Yadgar Imam Branch (RA), Tehran, Iran

falizadeh_89@yahoo.com

2 PhD student of Islamic Azad University, Yadgar Imam Branch (RA), Tehran, Iran

3. Ph.D., assistant professor and faculty member of the Islamic Azad University, Yadgar Imam Branch (RA), Tehran, Iran

تبیین علل شهرت روایت حفص از عاصم در قرائت قرآن

فرزانه علیزاده^{۱*}، زهرا ایمانی خوشخو^۲، سیده فاطمه حسینی میر صفی^۳

چکیده

اختلاف قرائت و میزان تاثیرگذاری آن در فهم قرآن پدیده ای است که در کنار نزاع های تاریخی، آثار انکار ناپذیری بر علوم قرآنی تا عصر حاضر داشته است. آنچه به نظر می رسد پرداختن به این موضوع را با اهمیت جلوه می دهد این است که بعد از گذشت سالها هنوز مشخص نشده، ارجحیت یافتن یک قرائت بر دیگر قرائت به چه علتی بوده است. بر این اساس، تحقیق حاضر بر اساس مطالعات کتابخانه ای و رویکردی تاریخی نشان می دهد که ابهام در برخی گزارش های تاریخی مربوط به علل گسترش و ترویج برخی قرائت های خاص در جهان اسلام و شاخص شدن قرائت عاصم از روایت حفص به علت رسمی شدن این قرائت در امپراتوری عثمانی و انتشار چاپی قرآن کریم مطابق با قرائت عاصم بوده است. لذا توجه به دیگر قرائت برای گریز از مبالغه ای که برخی در مورد رواج روایت این قرائت کرده اند، ضروری است.

واژگان کلیدی: اختلاف قرائت، آیات قرآن، راویان، تاریخچه، دولت عثمانی

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره)، تهران، ایران falzadeh_89@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره)، تهران، ایران

۳. دکتری تخصصی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام (ره)، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

بحث قرائت قرآن هم صبغه علمی و هم جنبه عملی دارد که از دیرباز در کانون توجه دانشمندان علوم قرآن و مفسران بوده است؛ به گونه‌ای که تنها از سال ۱۵۰ تا ۳۰۰ هجری بیش از شصت عنوان کتاب در قرائت با عناوینی مانند: ثبوت قرائت‌ها، حجیت آن، نقد و بررسی قرائت، و نیز وحدت و تعدد آن نگاشته شده است. (طالقانی: ۱۳۶۱) این حرکت با فراز و نشیب‌هایی تا روزگار حاضر، چه به صورت تک‌نگاری یا در لابه‌لای مباحث علوم قرآن و تفاسیر ادامه دارد.

هر چند طبق آموزه‌های ما، قرآن تنها به یک صورت نازل شده و اختلاف قرائت از ناحیه قرآ و راویان آنها می‌باشد. (الکافی: ۱۴۰۷) اما بطور قطع و یقین نمی‌توان ادعا کرد که از میان قرائت موجود، کدام قرائت دقیقاً مطابق با آن چیزی است که خداوند سبحان بر رسول گرامی اش نازل نموده است با این وجود برخی از دانشمندان ما تنها روایت حفص از عاصم را معتبر دانسته و بر این باورند که قرائت متواتر و رایج بین عامه مسلمین از همان ابتدا تا عصر حاضر، قرائت عاصم به روایت حفص می‌باشد. (التمهید: ۱۳۸۸) این در حالی است که قرائت عاصم از همان ابتدا در کتابت و قرائت رایج نبوده، بلکه در قرون گذشته و در مناطق مختلف، مسلمانان قرآن را به قرائت‌های مختلف تلاوت می‌کردند و قرائت هر قاری در منطقه‌ای خاص رواج داشته و قرائت عاصم به روایت حفص از حدود قرن نهم به بعد و به تدریج در مناطق مختلف کشورهای اسلامی شروع به انتشار کرد. (حیدری و فضایی: بی تا)

آنچه مسلم است این است که در طی قرون گذشته، دانشمندان بسیاری - اعم از شیعه و سنی - در آثار خود به بیان قرائت هر یک از قراء پرداخته‌اند و در این میان برخی از علما، علاوه بر ذکر قرائت هر قاری به بیان وجوه هر قرائت نیز پرداخته‌اند. از جمله کتبی که در شرح حال قرا توسط دانشمندان شیعه به رشته تحریر درآمده است شامل: معجم رجال الحدیث آیت الله خویی و اعیان الشیعه علامه امین و تاسیس الشیعه آیات الله صدر می‌باشد. مهمترین کتب اهل سنت که در این زمینه نوشته شده می‌توان به غایت‌النهاییه فی طبقات القراء ابن جزری و طبقات القراء ذهبی اشاره کرد.

پیرامون موضوع اختلاف قرائت و روایت حفص از عاصم به کثرت در منابع کتابخانه‌ای و دانشگاهی مطالب داریم و تحقیقات متعدد از زوایای مختلف به بحث قرائت عاصم از روایت حفص پرداخته‌اند؛ مانند رساله دکتری عظیم عظیم پور با عنوان " بررسی موارد اختلاف برانگیز در قرآ" از دیدگاه‌های گوناگون به روایت حفص از عاصم و مقایسه ترجمه‌ها و رساله دیگری از سرکار خانم الهه شاه پسند با عنوان "قرائت عاصم به روایت حفص از ابتدا تا اشتهار" و مقاله "بررسی و تحلیل سندی روایت قرآنی حفص از عاصم"؛ اثر دکتر قاسم بستانی و همچنین مقاله " بررسی سند قرائت عاصم از حفص"؛ اثر فریده پیشوایی و دکتر یوسفی مقدم، و مقاله دیگر بنام "ارزیابی ادله دیدگاه رواج تاریخی قرائت عاصم به روایت حفص" به قلم حامد شریفی نسب، سید محمد باقر حجتی و امیر قربانخانی؛ مقاله اخیر نسبت به پژوهش‌های دیگر از قوت برخوردار است چرا که با استفاده از منابع اصلی رجالی میزان اعتبار این دیدگاه (قرائت حفص یگانه قرائت صحیح از قرآن است) را مورد سنجش قرار می‌دهد و بیان می‌دارد علت این شهرت به دیدگاه مرحوم بلاغی و به تبع ایشان آیت الله معرفت بازمی‌گردد و به این نتیجه می‌رسد

که ادله ارائه شده پیرامون قرائت حفص به عنوان یگانه قرائت صحیح از قرآن، ناتمام بوده و نه تنها هیچ گونه شاهد تاریخی برای اثبات این ادعا وجود ندارد؛ بلکه شواهد تاریخی آن را ابطال می‌کند. اشکال وارده به مقاله ذکر شده این است که نویسنده محترم نسبت به این مطلب بی توجه بوده اند که، بسیاری از مراجع و فقها به علت فراگیری روایت حفص، احتیاط درانتخاب قرائت این روایت در نماز را اعلام داشته اند. لذا بهتر بود به صراحت اعلام ابطال شواهد تاریخی آن را بازگو نمی‌کردند.

پیشینه تحقیق

یکی از مباحث مهم در حوزه قرآن پژوهی؛ پدیده اختلاف قرائت عاصم است که به عنوان واقعیتی انکارناپذیر قرن‌ها افکار دانشمندان علوم قرآنی و نیز قاریان را تحت تاثیر قرار داده است و به نوبه خود آثاری در حوزه قرائت به وجود آورده است که تا عصر حاضر باقی است و پژوهشگران هریک از زاویه ای به آن پرداخته اند.

وجدانی (۱۳۸۸) در پژوهش خود پس از معرفی عاصم و راویان وی، به مقایسه روایت‌های حفص بن سلیمان و ابوبکر شعبه بن عیاش در کل قرآن کریم پرداخته است. این مقایسه بر مبنای دو کتاب «التیسیر» و «السبعة» که از قدیمی‌ترین و معتبرترین کتب در علم قرائت می‌باشند صورت گرفته و در ضمن مقایسه روایت این دو راوی، به وجه تمایز این دو کتاب نیز اشاره شده است. همچنین علاوه بر استخراج موارد اختلافی این دو راوی در کل قرآن بر اساس دو کتاب مذکور، با استفاده از کتب احتجاج، تفسیر، فقه و... به بررسی وجوه و ادله (حجت‌های) هر یک از موارد اختلافی در حدود نه جزء از قرآن کریم - از سوره البقرة تا انتهای سوره الأعراف - نیز پرداخته شده است.

کریمی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان بررسی قرائت حفص از عاصم در تفاسیر و اثرات فقهی آن (با تکیه بر تفاسیر طبری، فخررازی و قرطبی) ضمن مطالعه و بررسی محتوای آیات فقهی دارای اختلاف قرائت، نشان می‌دهد که همواره یک قرائت خاص، مبنای تفسیر و یا استخراج احکام فقهی نیست و یا فقیه بر اساس قرائتی که در نظرش بهرت آمده است، به ارائه تفسیر و یا استخراج احکام فقهی می‌پردازد. معارف (۱۳۷۷) در پژوهشی با عنوان مقدمه‌ای بر تاریخ اختلاف قرائت قرآن ضمن پذیرش و تبیین اختلاف قرائت به عنوان واقعیتی انکارناپذیر دلایل سه‌گانه برخوردار از وجه قائده‌ایی قوی، انطباق با رسم الخط مصاحف عثمانی و قابلیت پذیرش از سوی عموم را به عنوان منطق برتری یک قرائت بر سایر قرائت‌ها ذکر می‌کند.

پیشوایی و یوسفی مقدم (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی سند قرائت حفص از عاصم با روشی توصیفی- تحلیلی، به نقد دیدگاه‌های موجود پرداخته و نشان می‌دهند که اثبات عثمانی بودن ابوعبدالرحمان نیازمند مستندات قوی بوده و تضعیفات عاصم در نقل حدیث نیز با توفیقاتش در قرائت متعارضند و تمرکز عاصم در قرائت بوده است.

بررسی تحولات و جریان‌های تاریخی، فرهنگی مهم و اثر گذار در خصوص گسترش قرائتی خاص از میان قرائت موجود در بوم‌های مختلف در پژوهش‌های انجام شده مغفول مانده است و یک مقاله

نمی تواند به بررسی تمامی ابعاد یکجا بپردازد. لذا تحقیق حاضر به دنبال پاسخ این سوال است که قدرت عثمانی به عنوان یک جریان تاریخی و فرهنگی چه تاثیری در شهرت این قرائت و روایت داشته است؟ و وضعیت شهرت روایت حفص از قرائت عاصم و روی آوردن مسلمانان به این روایت در سده های نخستین اسلام را بررسی می کند؛ چرا که عاصم علاوه بر حفص، راوی مشهور دیگری بنام «ابوبکر بن عیاش» نیز داشته که روایت وی در برهه ای از زمان و در برخی از نقاط همچون عراق و ایران از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. (حیدری و فضایی: بی تا) و علمایی چون علامه حلی به آن عنایت داشته اند (علامه حلی: ۱۴۱۲ق) در آغاز بحث به منشاء پیدایش این اختلافات می پردازیم.

منشاء اختلاف قرائات

منشاء پیدایش این اختلافات را باید از نیمه دوم قرن اول هجری که تعلیم، تعلم قرآن و آموزش قرائت آن توسط صحابه و تابعین انجام شد؛ جستجو کرد (فضلی: ۱۴۰۵ق). اندیشمندان شیعه بر اساس روایات اهل بیت (ع) قرائت صحیح را یگانه خوانده و بر این مبنا، عوامل چندی را در پیدایش اختلاف قرائات مؤثر دانسته اند که اهم این عوامل شامل سه مورد: نقش راویان و ناقلان قرآن، اختلاف لهجات و عدم تنقیط و اعراب مصاحف اولیه است. شیعیان مورد اول (نقش راویان و ناقلان قرآن) را به علت وجود روایات بر تایید آن؛ بر دیگر دلایل ارجح دانسته اند. (پارچه باف: ۱۳۹۱). نکته ای که نباید از نظر دور داشت، این است که عقیده ی شیعه درباره ی منشأ اختلاف قرائات، موجب ایجاد شبهه ی تحریف قرآن نمی گردد. چرا که سوره، آیات و کلمات قرآنی، به اتفاق نظر مسلمانان متواتر است و تنها چگونگی خواندن این متن است که در مواضعی اندک، مورد اختلاف است. (پارچه باف: ۱۳۹۱). تلاش برای دسته بندی اختلافات موجود در قرائات، امری است که در آثار متقدمان سابقه دارد. جالب اینکه بیشتر این تقسیم بندی ها این اختلاف را تا هفت قسم شمار کرده اند.

در اینجا به چند مورد از اختلاف قرائت در قرآن اشاره می کنیم:

- «مَلِك، مَالِك»^۱: عاصم و کسائی مَالِك و بقیه قرآء مَلِك خوانده اند. آیه الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم. مالک را بر ملک ترجیح داده اند و گفته اند که ممکن است اشکال شود که مالکیت روز چگونه ممکن است؟ در جواب چنین بیان می کنند که مالکیت موجودات و انسانهاست که به روز تعلق نمی گیرد؛ اما خداوند مالک روز جزاست؛ یعنی، مالک آنچه در روز جزا خواهد بود. همچنین شمولیت کلمه مالک از مَلِك بیشتر است؛ چون مَالِك یعنی مالک همه چیز که از آن جمله مَلِك است؛ پس خداوند مالک مَلِك، یعنی مَلِك نیز هست.
- «الصراط و صراط السراط و سراط»^۲: ابن کثیر، به روایت قبیل در تمام قرآن به (س) و بقیه قرآء به (ص) خوانده اند.

۱. سوره حمد آیه ۴

۲. سوره بقره / آیات ۶ و ۷

- «و ما یخضعون و ما یُخادعون»^۱: عاصم، حمزه، کسائی و ابن عامر «و ما یخضعون» خوانده اند و نافع و ابن کثیر و ابو عمرو «و ما یخضعون»، خوانده اند.
- «فَتَلَقَّى آدَمُ فَتَلَقَّى آدَمَ»^۲: عاصم، حمزه، کسائی، ابن عامر و نافع «آدم»، ابن کثیر و ابو عمرو «آدم» خوانده اند.

تاریخچه علم قرائات

تالیف و پژوهش در زمینه علم قرائات و پرداختن به شرح حال قرآ سابقه ای طولانی دارد. ابن جزری «ابو عبید قاسم بن سلام» را اولین مدون علم قرائات می داند. (شوشتری، ۱۳۷۸) ذهبی نیز بر این باور است، در حالی که سید حسن صدر، «ابان بن تغلب» شاگرد امام سجاد (صدر: ۱۳۵۴ق) را اولین مصنف و مدون علم قرائات معرفی کرده و همچنین «حمزه بن حبیب» یکی از قرای سبعه که شهید صدر بر تشیع ایشان تصریح کرده است و او را پس از «ابان» دومین مصنف علم قرائات می داند و به این ترتیب بیان می کند شیعیان اولین کسانی بودند که قرائات را جمع کرده و کتاب هایی در این علم تالیف نموده اند. (صدر: ۱۳۵۴ق) و اما دکتر عبدالهادی فضلی «یحیی بن یعمر» را به عنوان نخستین مدون علم قرائات یاد کرده و «ابان» را دومین و «حمزه» را در رده پنجم دانسته. (فضلی: ۱۴۰۵ق) حتی مطابق نظر دکتر فضلی خدشه ای به قول شهید صدر مبنی بر مقدم بودن شیعیان در تدوین علم قرائات وارد نمی شود چرا که «یحیی بن یعمر» را در زمره شیعیان آورده اند. (صدر: ۱۳۵۴ق) آنچه مسلم است این که در طی قرون گذشته، دانشمندان بسیاری - اعم از شیعه و سنی - در آثار خود به بیان قرائت هر یک از قرآ پرداخته اند. در این میان برخی از علما علاوه بر ذکر قرائت هر قاری، به بیان وجوه هر قرائت نیز پرداخته اند و ظاهراً اولین کسی که در ارتباط با وجوه قرائات کتابی تالیف نمود «هارون بن موسی اعور» بود. (فضلی: ۱۴۰۵ق)

نکته قابل ذکر این که در اغلب این آثار، قرائت همه قرا، در کنار هم مورد بررسی قرار گرفته است و ارجعیتی بر یک قرائت بیان نشده؛ هر چند در میان منابع متأخرتر، گاهی با آثاری مواجه می شویم که به طور خاص به قرائت یک قاری یا روایت یک روای پرداخته اند و دلایل بر ادعای خود ارائه نموده اند اما هیچ یک از دلایل، دلیل موجه ای نمی باشد چرا که در سالهای بعد این دلایل از نظر علم رجال و علوم قرآنی مورد نقد و بررسی قرار گرفته و بعضی از آنها مردود و باطل اعلام شده است. در مورد روایت حفص از قرائت عاصم برخی دلیل گسترش را در ویژگیهای فردی عاصم و حفص و نیز سند معتبر آن می داند؛ از اینرو، بررسی وضعیت علمی، اجتماعی و مذهبی رجال روایت حفص، ضروری می نماید.

زندگی نامه عاصم بن ابی النجود کوفی

ابوبکر عاصم بن ابی النجود بن بهدله مولی بنی خزیمه - یا بنی جذیمه ابن مالک بن نصر بن قعین (م ۱۲۷ یا ۱۲۸ هـ ق) از قراء طبقه سوم و از مردم کوفه است و پس از یحیی بن وثاب قرار دارد و قبل از

۳. سوره بقره / آیات ۹

۴. سوره بقره / آیات ۳۷

واقعه طاعون (۱۳۱ هـ ق) از دنیا رفت. (ابن الندیم: ۱۳۴۸ق) عاصم جایگاه در خور توجهی در قرائت داشت و از قراء معروف هفتگانه و قرآن را بر ابی عبدالرحمن عبدالله بن حبیب سلمی شیعی - که یکی از یاران امیرالمؤمنین علی (ع) بود- و نیز بر زرین حبیش و ابی عمرو شیبانی، قرائت کرد. در مورد استاد وی یعنی ابی عبدالرحمن نوشته‌اند: که قرآن را بر عثمان و علی (ع) و ابی بن کعب و عبدالله بن مسعود زیدبن ثابت قرائت کرده است. زرین حبیش یکی از اساتید قرائت عاصم به شمار می‌رود. ابوبکر بن عیاش در این باره می‌گوید: عاصم به من گفت: هیچ کس جز ابوعبدالرحمن سلمی، هیچ حرفی از قرآن را بر من اقرار نمود و من پس از اقرار سلمی، قرائت خود را بر زرین حبیش (به‌منظور تأیید او) عرضه نمودم و نیز حفص گوید: عاصم برایم بازگو نمود: قرائتی که من بر تو اقرار می‌کنم قرائتی است که آن را از ابی عبدالرحمن سلمی - که او از علی (ع) نقل کرده است- اخذ نمودم و خود ابی عبدالرحمن می‌گفت: تمام قرآن را بر علی (ع) قرائت کردم. (زنجانی: ۱۳۸۸ق)

درباره تشیع عاصم می‌نویسند: که استاد وی در امر قرائت ابوعبدالرحمن سلمی است که قطعاً شیعی بوده و قرائت را از امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) اخذ کرد و قرآن را بر آن حضرت قرائت نمود. (زنجانی: ۱۳۸۸ق) شیخ عبدالجلیل رازی مفسر در کتاب «تَقْضُ الْفَضَائِحِ عَلَى تَشْيِعِ عَاصِمٍ وَ أَنَّهُ كَانَ مُقْتَدِيَ الشَّيْعَةِ» آورده است: که تشیع، آئین اکثر پیشوایان و استادان قرائت بوده است و اکثراً قراء مکی و مدنی و کوفی و بصری، عدلیه و شیعی بوده‌اند نه مُشَبَّهه و خوارج و جبریه و روایات آنها نیز منقول از امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) است و امثال عاصم و دیگران، شیعه هستند و بقیه قراء، عدلیه غیراشعری می‌باشند. (حجتی: ۱۳۶۵)

آراء دیگری هم درباره شخصیت علمی و دینی عاصم در کتب مختلف دیده می‌شود که با مطالب قبلی در تضاد می‌باشند. و ما نمونه‌هایی از این آراء را در زیر می‌آوریم: ابن‌الجزری می‌نویسد: ابوزرع و گروهی از محدثان، عاصم را توثیق کرده‌اند. ولی ابن سعد می‌گوید: اگر چه عاصم، ثقه بوده ولی در حدیث غالباً دچار خلط و اشتباه می‌گشت. حماد بن سلمه، خلط و اشتباه عاصم را مربوط به اواخر عمر او می‌داند. ابن عطیه، عاصم را گرفتار سوء حافظه دانسته و می‌گوید: که نام وی عاصم بوده و دچار سوء حافظه می‌باشد. چنانکه عقیلی می‌گوید: در عاصم هیچ عیب و خرده‌ای جز سوء حافظه وجود ندارد. چنانکه دار قطنی نیز همین داوری را درباره او اظهار کرده است. ابن خراش، او را شخصیتی غیرمقبول در حدیث معرفی کرده است. (حجتی: ۱۳۶۵)

برخی معتقدند عاصم شیعه نبوده و این در حالی است که جعلی به عثمانی بودن وی تصریح داشته است (عجلی: ۱۴۰۵). اما حتی با فرض جعلی بودن انتساب این اخبار به عاصم معلوم است که عاصم با ابووائل شقیق بن سلمه ارتباط نزدیکی داشته و ابووائل عثمانی بوده است. (احمدبن حنبل: ۱۴۰۳) این ارتباط و دوستی به روایت های مختلف از عاصم در اسناد معتبر اهل سنت یافت می‌شود. (ابن عساکر: ۱۴۲۱). و در روایتی از عاصم آمده در دیدار او با ابووائل، ابووائل از او پرسید: میان علی (ع) و عثمان کدام پیش تو محبوب تر است؛ پاسخ داد: علی (ع) برایم محبوب بود تا زمانی که آن کار را کرد (جنگ صفین)، بعد از آن عثمان برایم محبوب تر است. از عاصم نقل شده که به شکل های مختلف بعد از جنگ صفین عثمان را بر امیر المومنین علی (ع) ترجیح می‌داد. (بخاری: ۱۳۷۷)

راویان قرائت عاصم

گروه بی‌شماری به واسطه و بی‌واسطه، قرائت عاصم را روایت کرده‌اند و اینان عبارتند از: ابان بن تغلب شیعی، ابان بن یزید عطار، حفص بن سلیمان، حماد بن سلمه، حماد بن یزید، سلیمان بن مهران اعمش - ابوبکر بن عیاش، ضحاک بن میمون، ابوعمر بن علاء، خلیل بن احمد، حمزه بن حبیب زیات و عدّه دیگری که تمام و یا قسمتی از قرائت عاصم را روایت کرده‌اند. ولی در این جمع، دو نفر به نام: حفص و ابوبکر بن عیاش از شهرت فزون‌تری برخوردارند که گویند: این دو، قرائت عاصم را بلاواسطه از خود وی روایت نموده‌اند (حموده: ۱۹۳۰م)

• ابوعمر حفص بن سلیمان بن مغیره

ابوعمر، حفص بن سلیمان بن مغیره بزاز اسدی کوفی (۹۰-۱۸۰ هـ ق) مشهور به «حفص» بوده، و او را ربیب (فرزند همسر) عاصم می‌دانند. و می‌نویسند: حفص، پنج آیه، پنج آیه، قرائت قرآن را از عاصم اخذ کرده بود همانند کودکی که قرآن را از استاد خود می‌آموزد قرآن را از وی فراگرفت. مرحوم زنجانی، حفص را بدینگونه می‌شناساند: مردی عالم و عامل و آگاه‌ترین اصحاب عاصم نسبت به قرائت وی بوده است. چنانکه ابن معین می‌گوید: روایت و نقل صحیح قرائت عاصم به وسیله حفص انجام گرفته است. اگرچه آراء و نظریات علماء درباره حفص دچار نوعی اضطراب و تردید می‌باشد. (زنجانی: ۱۳۸۸ق)

ابوبکر خطیب می‌نویسد: پیشینیان، حفص را از لحاظ حافظه، قوی‌تر از ابوبکر بن عیاش می‌دانند و معتقد بودند که وی تمام وجوه قرائت عاصم را درست ضبط نموده و در خاطر داشته است. (حموده: ۱۹۳۰م) دانشمندان راجع به حفص، در مورد حدیث، نظر مساعدی ارائه نکرده‌اند، بلکه از لحاظ حدیث، وی را مخدوش می‌دانند. اینک آراء بزرگان را درباره وی ملاحظه می‌کنید:

ابن ابی حاتم از عبدالله بن احمد بن حنبل و او از پدرش نقل می‌کند که می‌گفت: حفص، «متروک الحدیث» است یعنی حدیث وی مورد توجه محدثان قرار نگرفت چنانکه بخاری و مسلم بن حجاج و دارقطنی نیز همین رأی را درباره حفص اظهار کرده‌اند. (احمد بن حنبل: ۱۴۰۳) عده‌ای از محدثان با شدت لحن و تعبیر کوبنده‌ای حدیث حفص را مورد حمله قرار دادند. مانند عثمان دارمی - به نقل از ابن معین - و دیگران، حفص را در حدیث، ثقه نمی‌دانند. ابن مدینی می‌گوید: حدیث حفص، ضعیف است و من از لحاظ عمل، خود را ملزم به حدیث وی نمی‌بینیم. نسائی: حفص، ثقه نیست و حدیث او شایسته نگارش نمی‌باشد. صالح بن محمد: نباید حدیث حفص را نوشت و هیچ‌یک از احادیث وی مورد قبول نیست. ابن خراش: حفص مردی دروغ‌پرداز و متروک الحدیث است. ابن حبان: اساتید حدیث حفص زیر و رو شده است و او احادیث مرسل را به صورت احادیث مرفوع قلمداد می‌کرد. ابن جوزی در «الموضوعات» از عبدالرحمن بن مهدوی نقل می‌کند که گفت: سوگند به خداوند، روایت از او روا نیست، چنانکه ساجی می‌گوید: حفص حدیث را از کسی گرفت که نمی‌تواند مورد قبول واقع شود. (حجتی: ۱۳۶۵)

• ابوبکر بن عیاش

ابوبکر بن عیاش بن سالم حنات کوفی، با قبیله ی بنی اسد نسبت موالات داشت. ذهبی نام وی را در قراء طبقه چهارم آورده است. (ذهبی: ۱۴۱۶) در مورد سال تولد او سال های ۹۶، ۹۵، ۹۴ محتمل است در این بین سال ۹۴ در منابع متقدم و متأخر با اقبال بیشتری روبرو است و وفات وی در کوفه در سال ۱۹۳ همزمان با فوت هارون بوده است. (ابن الندیم، ۱۳۴۸ق) ابوبکر به زمان خود، در بین علمای کوفه، به سرآمدی در تفسیر شناخته می شد (حموده: ۱۹۳۰م) ابوبکر از پیشوایان اهل سنت بوده، و حدود هفت سال پیش از مرگش، سمت اقراء و بررسی قرائت دیگران را رها کرد ولی در عین حال عالمی عامل و دانشمندی بزرگ به شمار می رفت. که روایت های فقهی بسیاری از او برجا مانده است (حجتی: ۱۳۶۵). در اینجا به چند نمونه از آراء محدثان درباره حدیث ابوبکر می پردازیم: عبدالله بن احمد بن حنبل از پدرش نقل می کنند: ابوبکر مردی قابل اعتماد در حدیث بوده اما غالباً دچار اشتباه می شود. یعقوب بن شبیه می گوید در حدیث ابوبکر اضطراب وجود دارد و ابونعیم می گوید: در میان اساتید قرائت هیچ کس بیش از ابوبکر گرفتار اشتباه نبوده است. (حجتی: ۱۳۶۵)

• ابوعبدالرحمن سلمی

ابوعبدالرحمن عبدالله بن حبیب بن ربیع سلمی کوفی، از جمله ی اصحاب امیر المؤمنین (ع) است. وی یکی از مشاهیر قرائت در صدر اسلام به شمار می رود. و در انتقال قرائت به قاریان کوفی، به خصوص عاصم، تأثیر بسزایی داشته است. وی در شمار راویان حدیث قرار دارد. سال تولد ابوعبدالرحمن مشخص نیست. اما چنانکه گفته اند، در هنگام حیات نبی اکرم (ص) به دنیا آمده و از جمله معمرین به شمار می رود. بر اساس برخی اخبار، سن او در هنگام وفات، بیش از نود سال بوده است. (ذهبی: ۱۴۱۶)

چنان که از سخنان ابوعبدالرحمن پیداست، او تعلیم قرآن را نزد پدرش آغاز کرده است. (دانی: ۱۹۳۰)، اما درباره ی اینکه قرائت را از چه کسی گرفته، روایات مختلفی وجود دارد. در برخی گزارش ها آمده است که وی قرآن را از امام علی (ع)، عثمان، ابی بن کعب، ابن مسعود و زید بن ثابت گرفته است (ذهبی: ۱۴۱۳). ذهبی هنگام نقل این مطلب از دانی، شیوه ی اخذ از همه ی آنها را عرضه می دارد. (ذهبی: ۱۴۱۶) با وجود مطالب ذکر شده از کتب سده های نخست؛ باز هم شاهد این هستیم که بعضی از پژوهشگران اسرار دارند که بیان کنند عاصم با صراحت ادعا کرده است قرائتی که او به حفص منتقل کرده، همان چیزی است که از سلمی گرفته و او از امام علی (ع) گرفته است. در حالی که اسناد رجالی و منابع اصلی آن را بصورت مطلق تأیید نمی کند لذا باید به این نکته توجه داشته باشیم که انتشار یک قرائت، لزوماً به معنای برتری آن نیست اما با این حال، اگر قرائت عاصم به امیر المؤمنین باز می گردد و شهرت روایت حفص به آن است، این قرائت می بایست از همان آغاز تا این اندازه مشهور می شد و فراگیری آن، تا قرن دهم به تأخیر نمی افتاد.

قرائت مشهور در سده های نخستین اسلام

بررسی این موضوع در قرون مختلف نشان می دهد که در چهار قرن آغازین هجری، غالباً قرائت بومی هر منطقه در آنجا رایج و متداول بود. در کوفه، قرائت ابن مسعود بسیار مشهور و پر طرفدار بود. و قبل از ابوعبدالرحمن سلمی شهرت قرائت ابن مسعود در این شهر چنان بود که مردم غیر آن را نمی شناختند. (ابن مجاهد: ۱۴۰۰) در مورد بحث قرائت در کوفه ذکر این مطلب لازم می باشد که بعد از مرگ عاصم، مردم کوفه از ابوبکر بن عیاش خواستند مردم را بر قرائت عاصم جمع کرده و خود را ملتزم به اصلاح قرائت آنان نمایند. اما ابوبکر از این کار امتناع نمود و مردم به قرائت حمزه مراجعه کردند و این موجب اشتها امامت حمزه در کوفه بعد از عاصم شد. این به معنای افول جایگاه قرائت عاصم بعد مرگش است. (دانی: ۱۴۲۸)

در مکه، ابن کثیر در امر قرائت صدر نشین اهل مکه گردید. نافع که در محضر ابوجعفر یزید بن قعقاع و شیبۀ بن نصاب پیشوای قرائت مردم مدینه؛ قرائت آموخته بود، به صدرنشینی قرائت مدینه نائل آمد. اهل بصره، ابوعمر و را به عنوان پیشوای خود در امر قرائت برگزیده بودند. (ابن مجاهد: ۱۴۰۰) همه ی قراءات سبع، به مرور زمان، به یمن وارد شده اند؛ برخی با یک و برخی با چند طریق. قرائت ابن کثیر با بیشترین طرق به یمن وارد شد، اما رواج چندانی بین عموم مردم نیافت. قرائاتی که در این دیار رواج بیشتری داشته اند، قرائت عاصم، ابوعمر و نافع هستند. قرائت عاصم، با دو طریق به یمن وارد شد؛ روایت عبدالله بن صالح از عاصم و روایت محمد بن علاء از ابوبکر بن عیاش و قرائت نافع نیز بر دو طریق به یمن وارد شد. در مورد اینکه کدامیک از سه قرائت پیش گفته، در قرن سوم یمن دارای رواج بیشتری بوده اند، نمی توان با قطعیت گفت. (منصوری: ۱۴۲۵ق)

در بین شامیان هیچ کس چون ابن عامر، به امر قرائت اهتمام نداشت. ابن مجاهد می گوید: اهل شام و بلاد جزیره غالباً بر اساس قرائت ابن عامر تلاوت می کنند (ابن مجاهد: ۱۴۰۰) به این ترتیب، قرائت عاصم در کشورهای اسلامی تا قرن چهارم از شهرت کنونی برخوردار نبوده و حتی می توان گفت نسب به سایر قرائات شهرتی نداشته است. در فاصله ی قرن پنجم تا نهم، قراءات بومی بلاد مشرق اسلامی جای خود را به قرائت ابوعمر و داده و این قرائت به عنوان قرائت رایج بیشتر مناطق اسلامی مبدل شد. (دانی: ۱۴۲۸) در عین حال در این دوره، قرائت عاصم به روایت ابوبکر بن عیاش در بخش هایی از عراق پیشرفت خوبی داشت؛ این نشان می دهد قرائت عاصم با روایت ابوبکر است که در قرن ششم مشهور و معمول می شود و در بخش هایی از ایران و عراق به قرائت رایج مبدل می گردد. (ذهبی: ۱۴۱۶) آغاز قرن دهم، با اوج قدرت و شکوه حکومت عثمانی همراه است و برخی معتقدند انتشار روایت حفص از قرائت عاصم، در زمان گسترش حکومت عثمانی در بلاد عربی در قرن دهم صورت گرفته است؛ چرا که عثمانیان به این روایت گرایش داشتند. (مفلح القضاء: ۱۴۲۲). در ادامه به بررسی تاریخچه عثمانی پرداخته، چرا که افکار و عملکرد دینی و سیاسی دولت عثمانی بر گرفته از نیاکان آنها بوده است.

تاریخچه عثمانی

عثمانیه اصطلاحی سیاسی و نام فرقه ای است که بستر تاریخی آن به ماجرای کشته شدن عثمان و پس از آن باز می گردد. علمای اهل سنت بر این باورند که مسلمانان تا پیش از کشته شدن عثمان امت

واحد بودند؛ اما پس از این ماجرا به دو گروه مهم سیاسی؛ عثمانی و علوی تقسیم شدند که منشا پیدایش حوادثی در جهان اسلام گردید. (ذهبی، ۱۴۱۰) بر اساس اعتقاد عثمانیان، عثمان مظلومانه کشته شد به کسانی که دارای چنین تفکری بودند عثمانی می گفتند (طبری، بی تا)

• تفکر عثمانی در مسائل عقیدتی

تفکر عثمانی مانند هر تفکر سیاسی - مذهبی دیگر داری شدت و ضعف بود. دست کم این بود که خلافت امام علی (علیه السلام) را قبول نداشتند و نوع افراطی آن با لعن امیرالمؤمنین و اهل بیت (علیه السلام) همراه بودند. (معروف الحسینی، ۱۳۹۸). عثمانی ها تنها به خلافت تثلیث (یعنی خلافت خلفای سه گانه ابوبکر، عمر و عثمان) اعتقاد داشتند. این اندیشه تا نیمه ی اول قرن سوم هجری ادامه داشت، تا این که احمد بن حنبل، امام حنبله، مسئله ی تریب (خلافت خلفای چهارگانه ابوبکر، عمر، عثمان و علی (علیه السلام)) را مطرح کرد. (جعفریان، ۱۳۸۰)

• شکل گیری و گسترش تفکر عثمانی در کوفه

با توجه به سابقه ی تاریخی کوفه و تلاش های فرهنگی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در شکل دهی اندیشه ی شیعی در میان کوفیان و نیز نقش گروه زیادی از آنان در محاصره و قتل عثمان، شاید در مرحله ی نخست، پذیرش شکل گیری مذهب عثمانی در این شهر مشکل باشد؛ اما بررسی نکات و حوادث سیاسی مختلفی که در آنجا رقم خورده است، این موضوع را تبیین می کند. تشیع کوفه یکنواخت نبود؛ اکثر کوفیان، شیعه ی سیاسی بودند و جمعیت اندکی از آنان - هر چند بانفوذ - گرایش تشیع مذهبی داشتند (طبری، بی تا) پیامدهای جنگ صفین نیز تاثیر خود را بر مردم کوفه گذاشت. کشته ها و خانواده های زیادی که بی سرپرست شده بودند؛ زمینه ساز تبلیغات زیادی بر ضد امام علی (علیه السلام) در کوفه شده بوند و امام را مسئول وخامت اوضاع معرفی می کردند. این قضایا بر روی گردانی از امام و گرایش افراد سطحی نگر، شکاک، کناره گیر از مسائل سیاسی و دنیاخواه به مذهب عثمانی، می توانست مؤثر باشد. معاویه نیز پس از صلح امام حسن (ع) و بیعت گرفتن از مردم کوفه تلاش چندجانبه ای را آغاز نمود تا شهرهای شیعه نشین را اندک اندک به همان جهتی که منافع او اقتضا می کرد سوق دهد و کوفه به دلیل مرکزیت تشیع و موقعیت ممتازی که داشت، جبهه ی اصلی معاویه به شمار می رفت؛ لذا طبیعی است که برای تغییر اندیشه ی شیعی در این شهر تلاش و توجه بیش تری مبذول می کرد؛ از این رو معاویه در مرحله ی نخست از مردم کوفه بر اساس برائت از امیرالمؤمنین (ع) بیعت گرفت (جعفریان، ۱۳۹۵) و برای نیل به شیعه زدایی و گسترش و نهادینه کردن مذهب عثمانی در این شهر، اقدامات مهمی انجام داد از جمله:

• انتصاب حاکمان عثمانی مذهب

معاویه در مرحله ی نخست خلافت خود، حاکمانی برای کوفه انتخاب کرد که کاملاً گرایش عثمانی و ضد علوی داشتند. کسانی چون عبدالله بن عمرو بن عاص، مغیره بن شعبه، زیاد بن ابیه، ضحاک بن قیس، حبیب بن مسلمه فهري، نعمان بن بشیر انصاری، عبیدالله بن زیاد و بشر بن مروان .

(جعفریان، ۱۳۹۵) حضور مذهب عثمانی در کوفه تا بدان اندازه بود که وقتی عبدالله بن مطیع از طرف عبدالله بن زبیر حاکم کوفه شد، برای رضایت آنان به سائب بن مالک وعده ی اجرای سیره ی عمر و عثمان را داد. (بلاذری، ۱۴۱۷) گرچه سائب سیره ی عثمان را رد کرد و سیره ی عمر را کم ضررتر دانست و خواهان اجرای سیره ی امیرالمؤمنین (ع) شد؛ اما چنین وعده ای از عبدالله بن مطیع گویای نفوذ و حاکمیت این دو طیف سیاسی - مذهبی در میان توده ی کوفیان است؛ حتی می توان گفت چنین پیشنهادی غلبه ی مذهب عثمانی را در کوفه می رساند. (جعفریان، ۱۳۹۵)

چنان که تاریخ گواهی داده است؛ قدرت حکومت تاثیر بسزایی در تحولات و اقدامات دینی ومذهبی دارد از جمله عملکرد ابن مجاهد به دلیل برخورداری از حمایت آشکار حکومت عباسی، تاثیر فراوانی بر قرائت قرآن داشت و از زمان ابن مجاهد به بعد، قرائتی که با مصحف عثمانی مخالف بود کاملاً کنار گذاشته شد. در همین دوران بود که ابن شنبوذ در نماز جماعت، قرائت ابن مسعود را با اطمینان به صحت آن در نماز جماعت قرائت کرد، در حالی که این قرائت با مصاحف عثمانی منطبق نبود. این عمل باعث دادگاهی شدن وشلاق خوردن او شد. (بغدادی، ۱۴۱۷)

• شکل گیری دولت عثمانی

دولت عثمانی به عنوان بزرگ ترین و پهناورترین دولت اسلامی پس از فروپاشی خلافت عباسی شناخته می شود. این دولت در قرن هفتم هجری (۶۸۸ تا ۶۹۹) در سرزمین آناتولی ظهور کرد، در پایان سده پانزدهم میلادی به اوج اقتدار و شکوه خود رسید. دولت عثمانی از نیمه سده شانزدهم میلادی (قرن ده هجری) خود را وارث رسمی خلافت اسلامی و رهبر جهان اسلام می دانست. و مذهب رسمی خود را مذهب حنفی قرار داده بودند. مذهب حنفی به نعمان (ابوحنیفه) بر می گردد، او مؤسس مذهب فقهی حنفی است و ایرانی تبار و اصل او از کابل است. وی در استخراج احکام فقهی روش متفاوتی را می پیمود، تا حدی که معتقد بود اگر رسول خدا (ص) در زمان او زنده بود، احکام را همان طوری می گفت که او می گوید (بارانی: ۱۳۹۳)

شناخت تاریخ عثمانی از جهات بسیاری برای مورخان و تاریخ پژوهان قرآنی لازم است؛ چرا که امپراتوری عثمانی یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین حکومت های طول تاریخ است که با بیش از ششصد سال عمر پر فراز و نشیب بر بخش های مهمی از آسیا، اروپا و آفریقا فرمان رانده است و ادعای تشکیل حکومت اسلامی را دارد و نقش به سزای در شکل گیری تحولات فرهنگی و مذهبی داشته است. حکومت عثمانیان، به جهت ارتباط مستقیم با اروپا، نخستین کشور اسلامی بود که با صنایع و فنون جدید، از جمله صنعت چاپ، آشنا شد.

حکومت عثمانی هنگامی که از صنعت چاپ در اروپا آگاه شد، نه تنها از گسترش آن در قلمرو عثمانیان استقبال نکرد، بلکه دستور تحریم آن را نیز صادر نمود. و سلاطین نخستین عثمانی از مردم خواسته بودند که از خواندن کتاب های چاپی پرهیز کنند، افزون بر منع مطالعه کتابهای چاپی، کسانی که بدون اجازه به تأسیس چاپخانه دست می زدند، مجازات اعدام برایشان در نظر گرفته می شد (وقفی پاشا: ۱۲۹۳) مراجع و علمای عثمانی نیز به مانند پادشاهان با ورود صنعت چاپ مخالف بودند. بعدها که عثمانیان متقاعد شدند صنعت چاپ برای حیات علمی و فرهنگی جامعه مفید است اجازه چاپ کتب را صادر کردند. در این میان، فقها و مفتی اعظم عثمانی هنوز فتوای استفاده از چاپ را صادر نکرده بودند. و علت مخالفت آنها این بود که به قرآن و کتابهای

دینی تحریفی راه یابد یا به آنها بی‌احترامی شود. به نظر می‌رسد که فقهای اهل سنت دست‌کم تا دو سده پس از آشنایی با چاپ، به نتایج فرهنگی و اعتقادی حاصل از دسترسی همگانی به کتابهای چاپی بدگمان بودند و اجازه چاپ قرآن را نمی‌دادند (شیخو: ۱۹۹۵م) و سالها گذشت تا فتوای چاپ مصحف عثمانی و قرآن توسط فقهای اهل سنت صادر شد. و اولین مصحف در سال ۱۱۰۶ ق در هامبورگ آلمان چاپ شد. این مصحف که گفته می‌شود دو نسخه از آن در دارالکتب المصریه و کتابخانه‌ی دانشگاه قاهره موجود است، داری خطاهای فراوانی بود. گرچه بیشتر منابع به قرائت مضبوط در این مصحف اشاره ای نداشته اند، اما برخی معتقدند این مصحف بر اساس قرائت عاصم بوده است. این مساله بعید نیست چرا که برای چاپ مصحف از مصاحف رایج بین مسلمانان استفاده می‌کنند و در آن زمان بیشتر مصاحف با روایت حفص و نیز قرائت ابوعمر و ضبط شده اند. ابوعمر و در زمانی که مصحف برای اولین بار به چاپ رسید، بخشی از شهرت و رواج خود را همچنان حفظ کرده بود و مهمتر آنکه یکی از قرائت‌های گزیده‌ی حنفی‌ها بود و این مسأله می‌توانست همان اندازه که روایت حفص را در معرض انتخاب مصحف قرار داد، قرائت ابوعمر و را نیز در معرض چاپ قرار دهد. (بارانی: ۱۳۹۳) اما چون دولت عثمانی چاپ قرآن به غیر از قرائت عاصم را ممنوع اعلام کرد این شهرت شکل گرفت.

نتیجه‌گیری

موضوع قرائت از دیرباز مورد توجه مفسران بوده و آرای گوناگون قاریان از صحابه و تابعین و دیگران در این زمینه وارد شده که نشان دهنده آن است که همواره یک قرائت خاص، معیار مفسران در تفسیر قرآن نبوده است. در چهار قرن آغازین هجری، غالباً قرائت بومی هر منطقه رایج و متداول بود و قرائت عاصم نیز تنها در مناطقی از عراق رواج داشته است. در فاصله‌ی قرن پنجم تا نهم، قرائت ابوعمر و به قرائت رایج بیشتر مناطق اسلامی مبدل شد و در سده‌ی نهم، قرائت عاصم به هر دو روایت، در ایران و بلاد عجم اطراف آن رواج یافت. فراگیری گسترده روایت حفص، از قرن دهم آغاز شد و اکنون به اوج خود رسیده است، فرضیه‌های متعددی برای این شهرت روز افزون مطرح شده است؛ ویژگی‌های سندی، و نیز نقش عثمانی‌ها و چاپ مصحف بر اساس این روایت، سه فرضیه‌ی عمده هستند.

با وجود نبودن منابع کافی در رابطه با شهرت حفص و بررسی تحولات صورت گرفته در خصوص گسترش قرائت در بوم‌های مختلف نشان می‌دهد که جریان‌های تاریخی - فرهنگی از جمله قدرت دولت عثمانی زمینه‌ساز این شهرت بوده؛ چرا که دولت اسلامی عثمانی، قرائت به غیر روایت حفص را از نظر قانونی ممنوع اعلام کرد و چاپخانه‌ها اجازه چاپ قرآن به غیر از آن را چاپ نداشتند و این وضعیت تا زمان کنونی نیز ادامه دارد. این در حالی است که علما و مراجع تقلید در منابع فقهی که از ضرورت و دقت بالاتر برخوردار است، جواز قرائت به قراءات سبع در فریضه مهمی چون نماز صادر نموده‌اند این نشان دهنده آن است که عدم تبیین دقیق موضوع باعث شده نگاه واقع‌بینانه‌ای به مسائل اختلاف قرائت قرآنی نداشته باشند و همین امر باعث شهرت یک روایت می‌شود.

کتابنامه

- ابن ابار، محمد بن عبدالله، التكملة لكتاب الصلح، (۱۴۱۵ق)، لبنان: دارالفکر،
ابن الندیم، الفهرست، (۱۳۴۸ق)، مصر
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ دمشق الكبير، (۱۴۲۱ق) بیروت: دارالحياء التراث العربی،
ابن مجاهد، ابوبکر، السبعة فی القراءات، (۱۴۰۰ق) قاهره: دارالمعارف،
أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني، أبو عبد الله، فضائل، (۱۴۰۳ق) بیروت: موسسه الرساله،
بارانی، محمدرضا، تاریخ امپراطوری عثمانی، (۱۳۹۳) تهران: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)،
بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الكبير، (۱۳۷۷ق) بیروت: دارالکتب العلمیه؛
بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغدادی، (۱۴۱۷ق) بیروت: دارالکتب العلمیه،
پارچه یاف، کریم و دیگران، تحلیل و بررسی تقسیم بندی های ارائه شده در قراءات قرآن، (۱۳۹۱) پژوهش های
قرآن و حدیث، شماره ۲، پاییز و زمستان
- حموده، عبدالوهاب، القراءات و اللهجات، (۱۹۳۰م)، مصر: مكتبة النهضة المصرية
دانی، عثمان بن سعید، التيسير فی القراءات السبع، (۱۹۳۰ق)، بیروت: دارالکتب العلمیه،
دانی، عثمان بن سعید، جامع البيان، (۱۴۲۸ق) امارات: جامعه الشارقة،
ذهبی، شمس الدين، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، (۱۴۱۳ق)، بیروت: دار الكتاب العربی،
ذهبی، شمس الدين، معرفه القراء، (۱۴۱۶ق)، استانبول: مركز البحوث الاسلاميه،
زنجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، (۱۳۸۸ق) بیروت
سیر تکاملی تاریخ قرآن و تفسیر محمد حیدری و دکتر یوسف فضایی، تهران بی تا
شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، (۱۳۷۸)، قم: موسسه نشر اسلامی
شیخو، لويس، تاريخ فن الطباعة فی الشرق، (۱۹۹۵)، بیروت
- صدر، سید حسن، تأسیس الشیعة لعلوم الإسلام کاظمین، (۱۳۵۴ق)، بی جا،
عجلی، احمد بن عبدالله، تاریخ الثقات، (۱۴۰۵ق)، بیروت: دارالباز،
علامه حلّی، حسن بن یوسف، مقدمه نویس محمود بستانی، (۱۴۱۲ق)، مشهد: آستان قدس رضوی،
فضلی، عبدالهادی، القراءات القرانیة، (۱۴۰۵ق)، بیروت: دارالقلم،
کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، (۱۴۰۷ق)، تهران: دار الکتب الإسلامیة
معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم قرآن، (۱۳۸۸)، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید
مفلح القضاء، محمد احمد و اخرون، مقدمات فی علم القراءات، (۱۴۲۲ق)، عمان: دارالعمار
منصوری، عبدالله عثمان علی، علم القراءات فی الیمن، (۱۴۲۵ق)، صنعاء: جامعه الصناعه
وقفی پاشا، احمد، لهجه عثمانی، (۱۲۹۳ق)، استانبول
عبدالصبور، شاهین، تاریخ قرآن، (۱۳۸۲)، ترجمه حسین سیدی، مشهد: آستان قدس رضوی

- Abdolsbur, Shahin. The History of the Qur'an, translated by Hossein Seyyidi, Mashhad (2003). Astan Quds Razavi
- Ahmed ibn Mohammed ibn Hanbal ibn Hilal ibn Asad al-Shaibani, Abu Abdullah. Virtues (1983). Beirut, alresale Institution.
- Ajlali, Ahmed ibn Abdullah. History of trust (1985). Beirut: Dar Al-baz.
- Allameh Helli, Hassan ibn Youssef. Introduction by Mahmoo Blasati(1992). Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Baghdad, Ahmed Ben Ali. Baghdad history (1996). Beirut, Dar Al-kotob Al Elmiyah.
- Barani, Mohammad Reza. History of the Ottoman Empire (2014). Tehran: International Center for the Translation and Publishing of Al-Mustafa.
- Bokhari, Mohamed Ben Ismail. Great History (1958). Beirut, Dar Al-kotob Al Elmiyah.
- Dani, Othman ibn Said. Facilitation in the seven readings (1930). Beirut, Dar Al-kotob Al Elmiyah.
- Dani, Othman ibn Said. Jameel Bayan (2007). Emirate: University of Sharjah. Dar Al-fekr.
- Fadali, Abd-al-Hadi Qur'anic Readings (1985). Beirut: Dar al-Qalam.
- Hamouda, Abdel Wahab. Readers and dialects (1930). Egypt, Egyptian Renaissance Library
- Heydari, Muhammad and fazaeei, Yusuf () the evolution of the history of the Qur'an and the interpretation of. Tehran, moealefin.
- Ibn Abbar, Mohammed ibn Abdullah. Supplement to the seleh book (1995). Lebanon:
- Ibn al-Nadim. Al-Fahrst (1930). Egypt.
- Ibn Assaker, Ali bin Hassan, History of the Great Damascus (2000). Beirut, Dar ahia Altras Al-Arabiya.
- Ibn Mujahid, Abubakr. The seven in the readers (1980). Cairo: Dar Al-maarif.
- Karimi, Reza. Abd alvahab, Sahrodi. Amamzade, Ahmad. Investigating the recitation of Hafs Asim in his commentary and its jurisprudential effects (based on the interpretations of Tabari, Fakhrrazi and Qarabi). (2011). Master's Thesis. Kharazmi University, Faculty of Literature and Human Sciences
- Kulini, Muhammad ibn Ya`qub ibn Ishaqal-Kafi(1987). Tehran: Dar Al-kotob Al Eslamiyah.
- Maaref, Majid. An Introduction to the History of the Difference of Quranic Readings(1998). Articles and reviews, 63: 7-30.
- Mansoori, Abdullah Othman Ali. Readings in Yaman (2004). Sanaa, University of Sanaa.
- Marefat, Muhammad Hadi. The Preamble in Qur'anic Sciences (2009). Qom: Altmaid Publishing Cultural Institute.
- Muflih al-Qudah, Muhammad Ahmad. Introductions in the science of reading (2001). Amman: Dar al- Amar.
- Parckh Baf, Karim. Analysis and Interpretation of the Divide of the Holy Qur'an in the Reading of the Qur'an (2012). Quranic and Hadith research, 45(2): 19- 38.
- Pishvaei, farideh & Yousefi Aghdam, Mohammad Sadegh. Investigating the document of hafz reading from asem(2015). Quranic research, 21(78): 106-127.
- Sadr, Seyyed Hassan. The founder of al-Shi'a Lalum al-Islāma Kazimin(1935).
- Sheikho, Louis. History of Printing Art in the East (1995). Beirut.
- Shooshtari, Mohammad Taghi. Ghumaz al-Rjal (1999). Qom: Islamic Publishing Institute.
- Vaghfi Pasha, Ahmad. Ottoman dialect (1876). Istanbul.
- Vojdani, Saeede. Mostafid, Hamid. Askari, Kazem. Comparison of the narration of two narrators of Assam (Hafs bin Soleyman-Abu Bakr Branch of Ben Ayash). (2009). Master's Thesis, Faculty of Osoul Al-Din.

Zahabi, Shamsuddin. History of Islam and the obit of grandee (1993). Beirut, Dar Al-kotob Al Elmiyah.

Zahabi, Shamsuddin. Knowledge of Readers (1996). Istanbul, Center for Islamic Research.

Zanjani, Abu Abdullah. History of the Qur'an (1968). Beirut.

ارجاع: علیزاده فرزانه، ایمانی خوشخو زهرا، حسینی میر صفی سیده فاطمه، تبیین علل شهرت روایت حفص از عاصم در قرائت قرآن، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۱، صفحات ۱-۱۶.

